

نویسند

سال سوم، شماره ۳۵، شنبه ۷ مرداد ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

(۶ صفحه)



ستارخان

دهها آزادیخواه در شهرهای مختلف به قتل رسیدند

این خون شهیدان است که بر خاک میهن ما جاری است

خاک میهن گلگون شده است. این خون شهیدان است که جاری است. در زخمان هر روز گلهای سرخ تازه ای را در خاک می کنند. اما باز هر روز گل های سرخ تازه ای سراز خاک بر می دارند. از خون شهیدان راه آزادی و استقلال میهن هر روز مبارزان تازه ای موج وار بر می خیزند. هنوز مرزبانان شهیدان خلق از قلم و نیزه و جبهه و گاشاک و کازرون... در فضای تپ تپ لود و اختناقی میهن طغیان خود را حفظ کرده است: "بسا مسرگ بسا آزادی".

خلق به پا خاسته است. رژیم درنده و خد غلط شاه بازم به پای خود را در ریختن خون فرزندان خلق می یابد. تمام چاروچنگال های سرگردان رژیم در پاره نضای به اصلاح بازنمایی و آزادی به سبک آریامیری در برابر اراده خلق رنگ می یازد. خلق آزادی خود را غریبا می کند. خلق آزادی خود را در مرگ رژیم وطن فروشان و در زخمیان می بیند و این کابوس رژیم است.

پسند ایران سکوت و چماق و شکیه و اعدام در روزهای ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ تیرماه بار بار بگر ظاهرات غم در پیکتوری هزاران آزاد بخواه و سپهر پرستار در شهرهای تهران، مشهد، شیراز، جهرم، آبادان و قم و تبریز... به خاک و خون کشیدند. خون های عزیز که در این روز

دنباله در صفحه ۳

ها بر خاک نشست بازم ثابت کرد که بین خلق و رژیم ضد خلقی شاه هیچ سازش ممکن نیست. این هجوم وحشیانه که از قبل عدالدها دیده شده بود و در آنها شهید و صدمه ها بیخبر از خود به جای گذاشت و صدمه ها میهن پرست و بگریه ها سیاهال ها و شکیه گاه های محزون روانه داشت. بار بار پیکتوری کرد که چهره کزبه و شیطان رژیم خود کانه آریا میوه و این همواره در حال مرگ. راجتی به بار ناهترین شطابه گران دوران هم نمی توانی از انتظار پنهان داشت و آن ها که به اعجاز این مشاهده گران دل بسته اند تنها زمانی ممکن است دست نوازش این کشتار بر برابر سرخود احساس کنند که به مردم و این قربانیان به پا خاسته پشت کرده باشند و در چنین صورتی باید در انتظار منت نیرومند خلق نیز باشند.

و چنین است گزارش های اولیه خبرنگاران نوبه از تظاهرات پرشور و گسترده مردم طایفه رژیم ضد خلق و استبدادی شاه در شهرهای مختلف کشور:

دنباله در صفحه ۳

شاه کجاست؟

شاه یوزک در محاصره شایعات متعدد ی که در اطرافش وجود آمده پس از مدتی غیبت در حالی که به کف همسر مؤخریش بعد شورا راه می رفت چون غناش پیر از لانه طلاش بی بیرون آمد و برای چند دقیقه ای روی صحنه تلویزیون ظاهر شد. زهر خندی روی لبه اش داشت و دستی به نشانه در زمین آرایش خیال به کرد.

اوپه به گفته بلند گوهای روسی صفت و روزنامه های درباری همراه خانواده اش در نوشهر تعطیلات تابستانی را می گذراند. منطوق راز خانواده را بدیه اصلاح ولیمید کج و گنگ و دیگر راز و پله های درباری است که هفته هاست در آمریکا به سر می برند پس شکی به سازمان جاسوسی سپا سوره شده اند تا در آرایش جاسوسی به درناجند ا را همه فاجعه ای و صوری کار جاسوسی گشایان شرکت کنند.

در سراسر ایران این سوال روز است: شاه کجاست؟ او که بی وقته پس از زهر کشنده تصمیم ضد مردمی چون کشتاری خون آشام روی صحنه تلویزیون ظاهر می شد و عکس های چندش آورش تقریباً هر روز در روزی نامه ها چاپ می شد. چراغش است چهره خود را از مردم پنهان می کند؟

جمع زیادی که تد اراک مرگ در پیکتوری ایران را ز سال هایش دیده اند معتقدند یکی از اعضای باند جلیل سلطنت کشتار را با تیرگزار کرده است اما کشتار زخمی خود را تابناگاه با شکیه هوش در نوشهر رساند و موملا از مرگ جستجاست. گروهی دیگر شماره شان از جمع اول کثرت نیست و معمولاً راهی به حرس های شاه دارند. حدس و گمان گروه اول را تکذیب نمی کنند اما خبر می آورند که کشتار پوز ناخیمه با نفس گرفته است. یعنی همان بیماری معروف اشراق که نتیجه پر خوری و خوش گذرانی بیش از حد است. تاکنون سه پزشک مشخص تقریباً با هواپیمای در دست از اریا به ایران آمده و مستقیماً بر بالین کشتار پوز در نوشهر رفته اند اما هیچ کدام نتوانسته اند شاه یوزک را حتی برای مدت کوتاهی از چنگال بیماری نجات دهند. آن چنان که در مراسم معرفی وزیر جدید گابینه از هم سلاهی شده آموگرامم، کشتار نتوانست از رختخواب بیرون بیاید و در نتیجه مراسم مسخره معرفی وزیر به پیشگاه آریامیری با سخنرانی بی برنامه ای در دست زدهای بی سر و تهی از هر اندیشه شاه یوزک انجام نشد و در نتیجه به خلاف گذشته این مراسم مسخره در تلویزیون هم به نمایش در نیامد.

اما گروه سوم که از میزان نفرت مردم نسبت به پیکتوری ایران آگاهی دارند و مدتی هم در سفره گسترده رژیم و سخن آن که حدس و گمان می کنند که شاه به دستور امریکا برای آن که غشم و نفرت مردم نسبت به رژیم او را دستخیز نگردد در مقابل مردم ظاهر نمی شود. مردم نسه تنها حاضر نیستند چهره کزبه او را ببینند. بلکه صدای او نیز آنها را می آزارد. به اشاره آمریکا تصمیمات ضد مردمی راجع به خود را اعلام نمی کند. دولت را مشعل گوشت دم توپ جلو می اندازد. در این شیوه

دنباله در صفحه ۳

سالروز

انقلاب مشروطیت

سالروز اعلام مشروطیت نهمین است که مردم ایران بار دیگر به گذشته انقلابی خویش نظر افکنند برای بازستاندن گوهر گرانمای آزادی که اهر پیمان بودمان پهلوی از کف آنان رود مانند تلاشش نوین و گسترده تر آغاز نمایند.

به راستی که مردم ایران می توانند به گذشته انقلابی خود بیاندیشند زیرا کشورشان در تمام طول قرن بیستم یکی از کانون های پر شور مبارزات انقلابی در بخش بزرگی از آسیا بوده است. جنبش انقلابی خلق های ستمدیده خاور در سراسر قرن بیستم که از بزرگ انقلاب جهانی در روسیه الهام می گرفت و انقلاب مشروطه ایران نیز جزئی از آن بود و در هیچ بلد از کشورهای مشرق زمین به قدر ایران زرقا نداشت.

انقلاب مشروطه ایران از اصاق زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران سرچشمه می گرفت و بر زمینه تضاد های درونی جامعه ایرانی که مهم ترین آن تضاد بین سیاست دولت های امپریالیستی و کوشش مردم ایران برای حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی و کشورشان بود، برپا شده بود. روئیده بود. روئیدی سیاسی جامعه که به خدمت امپریالیسم خارجی در آمده بود چنان نامحسوس در سیر راه پشرفت نیروهای بولشویک به بد آورده بود که جز با محور آن راهگشایی به سوی نظامی مترقی نمی توانست. سلطنت استبدادی از همان اوایل قرن نوزدهم که پای استعمارگران خارجی به ایران باز شد بزرگترین تکه گاه سیاست آنان قرار گرفت. قدرت مطلق سلطنت بهترین وسیله برای اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی استعمارگران در ایران بود. پیوند استعمار و طبقات حاکم ایران در وجود شاه گره می خورد. استعمارگران بسا استفاده از این اهرم در تمام شئون اقتصادی و سیاسی کشور نفوذ کرده بودند. شاهان ایران در دوران قبل از انقلاب مشروطه ها امتیاز بزرگ و گویا که یکی از آنان امتیاز نفت بوده به دولت های امپریالیستی داده بودند.

انقلاب ملی سالمیان دراز نفع گرفت. زمینه فکری ۲۷ شهریور است پشندانی که در کشورهای خارجی افکند گزیده بودند میبایست می ساختند. استبداد شاهان که در تمام طول تاریخ میهن ما بسا آزاد مردان و اند پشندان دشمن داشته است بسیاری از فرزندان آن آزادی طلب ایران راه مهاجرت و اداسا شده بود. میراث آقاخان کرمانی یکی از نخستین شهیدان راه آزادی به این نکته اشاره کرده در شمعی بر طینت جنین می نویسد:

بسه ایران یکی نانداری نماند که بخت بد از زهر خویش ترا

دنباله در صفحه ۳



حاجر الله عسماعلی

مهاجرت سیاسی از ایران ده ها سال پیش از انقلاب مشروطه آغاز شده بود. مهاجران در خارج از کشور از طریق نشر روزنامه و کتاب و تلخیص شفاهی و وسایل دیگر صورت تحول و تغییر در زندگی سیاسی و اجتماعی ایران را تبلیغ می نمودند. فعالیت سازمان های مهاجران اوایل قرن بیستم که وضع داخلی بین المللی امکانات مساعدتری فراهم کرده بود، شدت یافت.

در اواخر سال ۱۹۰۴ و اوایل سال ۱۹۰۵ گروه های سیاسی که در داخل خود ایران در تهران، تبریز و بعضی از شهرهای دیگر به صورت پنهانی کار می کردند با استفاده از اوضاع مساعد داخلی بین المللی بر ادایه فعالیت خود افزودند.

بسیج نیروهای اجتماعی برای انجام انقلاب علیه امپریالیسم و ضد استبدادی و پاتانی و بدون تشکل انجام می گرفت. رهبری جنبش را محمد طباطبایی و سید عبداللّه بهبهانی که سنگواره پوزازی تجاری ایران بودند، در دست داشتند. اتحاد پوزازی تجاری و

دنباله در صفحه ۳

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!